



درآمد

بی تردید می‌توان گفت که درد و رنج‌های طاقت فرسای مجاهد آزاده شیخ عبد الکریم عبید، چه از زمان اشغال جنوب لبنان و چه پس از عقب نشینی مقطعی نظامیان صهیونیست از بخشی از جنوب، کمتر از درد و رنج‌های شیخ الشهدای مقاومت اسلامی لبنان زنده یاد شیخ راغب حرب نبوده است. نظر به موقعیتی که عبید در مبارزات چهار دهه گذشته شیعیان جنوب و دوش به دوش هم‌رزم خود شیخ راغب حرب داشته است همواره مورد خشم صهیونیست‌های متجاوز قرار گرفته و حدود ۱۴ سال از عمر خود را در سیاه‌چال‌های اسرائیل گذرانده است. عبید در گفت و گوی اختصاصی با شاهد یاران راهکارهای سیاسی و جهادی شیخ راغب حرب را تشریح کرده است:

ناگفته‌هایی از راهکارهای سیاسی و جهادی شهید شیخ راغب حرب

در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با شیخ عبد الکریم عبید

شیخ شهید جز به امت حزب الله به هیچ گروهی وابسته نبود...

شرکت در چند دوره آموزش نظامی دریافت که رفتار و کردار این سازمان‌ها از اصول و معیارهای اسلامی فاصله دارد. رفتارشان غیر اسلامی است، و با ارزش‌های اسلامی منافات دارد. رفتار و کردار سازمان‌های فلسطینی، شیخ راغب حرب را ششوک کرد و از همکاری با آنها بی‌زاری جست. این بی‌زاری تأثیر به‌سزایی در رویکرد ایشان داشت. فراموش نشود که شیخ راغب حرب در مرحله جوانی علاقه داشت با اشغالگران صهیونیست مبارزه کند، و از آرمان فلسطین دفاع نماید. اما هنگامی که با رفتار و کردار برخی سازمان‌های فلسطینی روبه‌رو شد، با شیوه دیگری مبارزه را آغاز کرد.

روابط شهید شیخ راغب حرب با امام موسی صدر چگونه بود؟

زمانی که امام موسی صدر فعالیت‌های خود را در لبنان آغاز کرد شهید شیخ راغب حرب در حوزه علمیه نجف اشرف حضور داشت و سرگرم فراگیری علوم دینی بود. البته فراموش نشود که خانواده راغب حرب روابط دوستانه‌ای با امام موسی صدر داشتند. آقای صدر هرگاه به روستای جبشیت می‌آمد، در خانه پدر راغب حرب مستقر می‌شد. چرا که خانه پدر شیخ راغب حرب پاتوق علما و روحانیون مبارز آن دوره بود. پدر شیخ راغب حرب علمای اسلام را دوست داشت و برای آنان احترام خاص قایل بود. اصولاً همه مردم جبشیت روحانیون مسلمان و متعهد را دوست داشتند.

در زمان فعالیت‌های امام موسی صدر در لبنان، در مرکز آموزش نظامی «عین البینه» در منطقه بقاع وابسته به جنبش

حقوق مسلمانان ملی و اعراب را سلب می‌کند و آنان را از اسلام دور می‌سازد.

آیا شیخ راغب حرب پیش از آن که لباس روحانیت به تن کند به جنبش‌های سیاسی و اسلامی و یا ملی لبنان وابستگی داشته است؟

خیر، شیخ راغب حرب هیچ وقت وابستگی سیاسی نداشت. ایشان در دوران جوانی که برخی جنبش‌های فلسطینی در جنوب لبنان حضور داشتند، مانند همه جوانان لبنانی آن زمان چنین فکر می‌کرد که جنبش‌های فلسطینی

■ ■ ■

شیخ الشهدید قبل از هر چیز لازم می‌دانست که جوانان لبنانی با فرهنگ اسلامی آشنا شوند. همواره به جوانان و سایر اقشار جامعه توصیه می‌کرد به رهنمودهای ائمه اطهار (ع) عمل نمایند. این بزرگان را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهند.

قادرنند فلسطین را آزاد نمایند. جوانان گمان می‌کردند که در سایه همکاری و پیکار با سازمان‌های مقاومت ملی فلسطین می‌توان سرزمین فلسطین را آزاد کرد. شهید شیخ راغب حرب به محض تماس با برخی از این سازمان‌ها و

جنبه‌های یکی از روحانیون سرشناس روستای جبشیت، زادگاه شیخ راغب حرب هستید. در صورت امکان ابعاد مبارزات ایشان را شرح دهید؟

بسم الله الرحمن الرحیم، در حقیقت شیخ راغب حرب در سال ۱۹۵۲ در یک خانواده مذهبی متولد شد. اکثریت افراد خانواده ایشان به کشاورزی اشتغال داشتند. شیخ راغب از دوران کودکی عاشق قرآن و مسائل اسلامی بود. از زمانی هم که در مدارس دولتی سرگرم تحصیل بود، بیشتر به فراگیری علوم دینی علاقه داشت. بر این باور بود که اسلام در برگیرنده همه گونه راه حل برای مشکلات جوامع اسلامی است. شیخ قبل از هر چیز لازم می‌دانست که جوانان لبنانی با فرهنگ اسلامی آشنا شوند. همواره به جوانان و سایر اقشار جامعه توصیه می‌کرد به رهنمودهای ائمه اطهار (ع) عمل نمایند. این بزرگان را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهند. این ویژگی‌ها، در دوران تحصیل علوم کلاسیک و فراگیری علوم حوزوی در ایشان کاملاً نمایان بود. مردم روستای جبشیت شیخ راغب حرب را از دوران دبیرستان با سایر جوانان متمایز می‌دیدند. ایشان را یک فرد مؤمن و متعهد به انجام وظایف اسلامی یافته بودند. از دوران نوجوانی با همه گونه ظواهر فرهنگ غربی مبارزه می‌کرد، و بر این عقیده بود که رسوخ پدیده‌های فرهنگ غربی در میان مردم لبنان، آنان را از پای در می‌آورد، اصالت فرهنگی و تاریخی‌شان را از بین می‌برد و فرهنگ آمریکایی و اسرائیلی را جایگزین آن می‌کند. پیروی از فرهنگ استعماری و بهره‌کشی را رواج می‌دهد و استقلال ملی را به خطر می‌اندازد. چرا که پذیرش فرهنگ بیگانه،

همین طور است. شیخ رافع حرب در این مسئله نیز صاحب نظر بود. ایشان اولین کسی بود که امام خمینی را به نام «عبدالله الخميني - امير المسلمين» نامید. هرگاه سخنرانی می‌کرد و یا در حین خطبه‌های نماز جمعه این واژه را به کار می‌برد. چرا امیر المؤمنین خطاب نمی‌کرد؟ برای این که این واژه مخصوص امیر المؤمنین حضرت علی ابن ابی طالب (ع) می‌باشد. از سوی دیگر شهید رافع حرب انقلاب اسلامی ایران را در راستای تحقق آرزوها و رویاهای پیامبران و امام خمینی (ره) را مرجع تقلید جامع شرایط و واجبات الطاعه و مراد و آرزوی خود می‌دانست.

هنگامی که شیخ رافع حرب مبارزات و پیکار خود را در جنوب لبنان آغاز کرد موضع احزاب سیاسی لبنان و فلسطین به ویژه جنبش امل چگونه بود؟

در حالی که سعی می‌کرد با این احزاب و سازمان‌ها درگیر نشود، اما به طور تأکید روابط مستحکم و تنگاتنگ با آنها نداشت. شاید با برخی رفتارها و راهکارهای آنها مخالفت می‌کرد. تنها شعار شیخ رافع حرب تعهد به احکام و موازین شرعی بود. حال این احکام و موازین شرعی چگونه باشد و از طرف کدام مرجعیت دینی صادر شده باشد برای او مهم بود. به رعایت دقیق اصول و موازین شرعی پایبند بود. این ارزش‌ها و موازین را هرگز وجه المصلحه قرار نمی‌داد. به اصول و باورهای خود کاملاً ایمان داشت.

در ارتباط با شیوه مبارزه با اشغالگران چگونه می‌اندیشید؟

مواضع ضد صهیونیستی ایشان بسیار روشن است. ایشان هیچ‌گاه به مسئله پیروزی و شکست در برابر اسرائیل نمی‌اندیشید. به وظیفه و تکلیف خود عمل می‌کرد. به سود و زیان فکر نمی‌کرد. تنها مسئله‌ای که به آن می‌اندیشید، انجام وظایف و احکام شرعی بود. مثلاً آیا سکوت و بی‌تفاوتی در برابر جنایات اسرائیل و اشغال جنوب لبنان را جایز می‌دانست؟ خیر هرگز جایز نمی‌دانست. آیا مقاومت و رویارویی با اشغالگران را جایز می‌دانست؟ آری جایز است. ایشان مردم را با همه امکانات به رویارویی با اشغالگران فرا می‌خواند و به نتایج این رویارویی نیز نمی‌اندیشید. در زمینه باورها و ارزش‌های خود هرگز سازش نمی‌کرد. سازش و روابط با اشغالگران در فرهنگ ایشان جایگاهی نداشت.

روابط جناب‌عالی با شیخ رافع حرب چگونه بود؟

مانند دو برادر بودیم، یکی برادر بزرگتر و دیگری برادر کوچکتر. در بسیاری از فعالیت‌ها با یکدیگر همکاری داشتیم و کارها را بین هم تقسیم می‌کردیم. اگر مشغله‌ای برای ایشان پیش می‌آمد، کلاس‌های درس حوزوی و نماز جمعه را به من موکول می‌کرد. البته ایشان در فراگیری علوم دینی از من پیشی گرفت. ایشان به حوزه علمیه

الله پیوسته‌اند. اصولاً مبارزات امام موسی نیز فراتر از جنبش امل بود. امام صدر به همه شیعیان تعلق داشت. جنبش امل بخشی از تشکیلات امام موسی صدر بود. امام صدر بزرگ‌تر از این تشکیلات است. شیخ رافع حرب معتقد بود که طرفداران و هواداران جنبش امل باید از احکام شرعی اطاعت نمایند. امام موسی صدر و دیگران که مخالف احکام و موازین شرعی بودند.

روحانیون و علمای لبنان در آن مرحله چه واکنشی

به برپایی نماز جمعه توسط شیخ رافع حرب نشان دادند؟

همه روحانیون از این ابتکار عمل استقبال نکردند. چه بسا که بیشتر علمای لبنان با حرکت و ابتکارات امام موسی صدر نیز موافق نبودند. در هر جامعه‌ای افرادی وجود دارند که با هر پدیده جدید مخالفت می‌کنند. هنگامی که شیخ رافع حرب برای اولین بار نماز جمعه را در لبنان بر پا کرد برخی روحانیون گفتند که این پدیده نامتعارف است. دیدگاه‌ها و افکاری که شهید رافع حرب مطرح می‌کرد با رفتار و فرهنگ برخی روحانیون سنت گرا منافات داشت. برخی می‌گفتند که شیخ رافع حرب یک جوان ناپخته است و متهورانه عمل می‌کند. خیلی افراد با ابتکارات و نوآوری‌های ایشان موافق نبودند.

روابط فکری و سازمانی شیخ شهید با حزب الدعوه چگونه بود؟

بی‌تردید روابط فکری شهید رافع حرب با آیت الله شهید صدر بسیار مستحکم بود. اما از روابط تشکیلاتی و سازمانی ایشان با حزب الدعوه آگاهی ندارم. دوست نداشتم درباره مسائل شخصی با ایشان بحث و رایزنی کنم. اما روزی از شیخ شهید پرسیدم آیا علت اخراج شما از عراق به خاطر وابستگی به حزب الدعوه بوده است؟ ایشان در پاسخ گفت که من از پیروان سید محمد باقر صدر هستم. اگر ایشان از حزب الدعوه طرفداری کند من نیز از این حزب طرفداری خواهم کرد. در حقیقت شیخ رافع حرب معتقد بود که بیکار و تلاش اسلام‌گرایان باید چهره حزب گرابی و گروه‌گرایی نداشته باشد. باید منظم و حساب شده زیر نظر مرجعیت دینی حرکت کند. مرجعیت دینی و یا به تعبیری، مراجع تقلید باید اساس کار باشند. هر حزب و سازمانی باید زیر نظر مراجع تقلید پیکار کند. هر کار و تلاشی که مرجعیت دینی مناسب بداند باید آن را ملاح عمل قرار داد. بدون نظارت و اشراف مرجعیت هر کار و تلاشی سودمند و درست نخواهد بود.

در نتیجه مطالعاتی که از زندگی شیخ رافع حرب داشته‌ام احساس می‌کنم که ایشان واقعا به وصیت شهید آیت الله سید محمد باقر صدر که به پیروان خود توصیه کرده بود «در امام خمینی ذوب شوید» عمل کرده و پس از شهادت صدر از دستورات امام خمینی (ره) پیروی کرد. اینطور نیست؟



شیخ رافع حرب هنگامی که اولین بار نماز جمعه را در لبنان برپا کرد برخی روحانیون گفتند که این پدیده نامتعارف است. دیدگاه‌ها و افکاری که او مطرح می‌کرد با رفتار و فرهنگ برخی روحانیون سنت گرا منافات داشت

اصل انفجاری غیر عمدی روی داد. در این انفجار حدود هفتاد تن از جمله شیخ ماهر حرب پسر عموی شیخ رافع حرب در حین آموزش نظامی به شهادت رسید. امام موسی صدر و شیخ محمد مهدی شمس الدین و علامه سید محمد حسین فضل الله به منظور تسلیت به بازماندگان این حادثه به منزل پدر شیخ رافع حرب آمدند. این نشان می‌دهد که خانواده شیخ رافع حرب با علمای مبارز آن دوره روابط ویژه و صمیمانه داشته است. هنگامی که شیخ رافع حرب معمم شد و به صنف روحانیون در آمد، این روابط به نوعی گسترش یافت. اما شیخ رافع بیشتر با شهید آیت الله سید محمد باقر صدر ارتباط داشت. در حوزه علمیه نجف اشرف با شهید سید عباس موسوی آشنا شده بود و با یکدیگر درس می‌خواندند. هر دو متولد سال ۱۹۵۲ بودند. این آشنایی به دوستی و همکاری مشترک تبدیل شد. هر دو در کلاس درس شهید صدر شرکت می‌کردند. این روابط پس از بازگشت به لبنان هم ادامه یافت. همکاری شیخ رافع حرب و امام موسی صدر چشمگیر نبود. این طور نبود که شیخ رافع مانند سایر روحانیون آن مرحله لبنان، نمایندگی امام موسی صدر را داشته باشد و یا در چارچوب تشکیلات ایشان فعالیت کند. شیخ رافع حرب به نوعی مستقل عمل می‌کرد. به طور مستقل در جنبشیت نماز جمعه برپا کرد. پیکار اسلامی در جنبشیت را به طور مستقل آغاز کرد و جوانان مؤمن و متعهد را سازماندهی نمود.

روابط شیخ شهید با جنبش امل چگونه بود؟

روابط شیخ رافع با جنبش امل نیز بر اساس ملاک‌ها و معیارهای اسلامی بود. روابط او با برادران و جوانان جنبش امل در روستای جنبشیت که از نیروهای مسلمان و مؤمن هستند بسیار خوب بود. اگر همه طرفداران و اعضای جنبش امل مانند هواداران جنبش امل در جنبشیت بودند خیلی عالی بود. همه هواداران جنبش امل در دوران حیات شیخ رافع حرب اکنون و بدون استثناء به حزب



این شهادت موفق شدیم پیامدهای این شوک را مهار کنیم و راهمان را با انگیزه‌های قوی‌تر ادامه دهیم. خون شهید شیخ راغب حرب اثر به‌سزایی در زمینه پیشبرد مبارزه داشت. تعداد مجاهدان و داوطلبان شرکت در عملیات مقاومت افزایش یافت.

نظامیان صهیونیست به طور مستقیم شیخ راغب حرب را به شهادت نرسانده و توسط مزدوران شان شهید کردند. آیا تا کنون سر نخ از هویت عاملان ترور ایشان به دست آمده است؟

خیر، تا کنون هویت قاتل ایشان شناسایی نشده است. ولی شکی نیست که دشمن صهیونیستی در این اقدام جنایتکارانه دست داشته است.

گفته شده که مأموران امنیتی لبنان شخصی را در ارتباط با ترور شیخ راغب حرب شناسایی و بازداشت

چشمگیری در جمع آوری کمک‌های مردمی داشت. برای مجاهدان سلاح و مهمات تهیه می‌کرد. در جلسات برنامه ریزی برای همه گونه فعالیت‌ها حضور داشت و دیدگاه‌های خود را ارائه می‌کرد. گاهی اوقات سلاح به دست می‌گرفت و همراه رزمندگان در عملیات ضد صهیونیستی شرکت می‌کرد. به طور قطع می‌توان گفت که شیخ راغب حرب قبل از شهادتش نماد مبارزه با اشغالگری، با محرومیت مردم جنوب و با نظام سیاسی حاکم بر لبنان بود. ایشان



جنف اشرف رفت و من به حوزه علمیه قم رفتم. ایشان تحصیلات کلاسیک را نیمه تمام گذاشت ولی من تا سطح دانشگاه تحصیلات را ادامه دادم. بنابراین ایشان زود هنگام به فراگیری علوم دینی همت گمارد. او در سال ۱۹۷۵ به لبنان بازگشت ولی من روز حمله اسرائیل به لبنان در ژوئن سال ۱۹۸۲ به بیروت بازگشتم و همکاری با ایشان را آغاز کردم. ایشان حدود ۲۰ ماه در سایه وجود اشغالگران در جنوب لبنان به سر برد و در سال ۱۹۸۴ به شهادت رسید. هنگامی که رویارویی با اشغالگران را آغاز کرد، کمتر در انظار عموم ظاهر می‌شد. فعالیت‌های خود را مخفیانه ادامه می‌داد. گاهی من به جای ایشان نماز جمعه را اقامه می‌کردم. روزی که اسرائیلی‌ها ایشان را بازداشت کردند در اعتراض به این اقدام تظاهرات گسترده و تحصن در شهرهای جنوب لبنان به راه انداختم. در نتیجه این خشم عمومی، اسرائیلی‌ها شیخ راغب حرب را آزاد کردند.

آماده سازی برای پایه گذاری جنبش مقاومت اسلامی در منطقه بقاع انجام گرفت. آیا شیخ راغب حرب در جریان تأسیس حزب الله بود و چه نقشی در اعزام نیرو از جنوب برای آموزش نظامی در بقاع داشت؟

شیخ راغب حرب با آقایانی که در بقاع مستقر بودند روابط برادرانه داشت و به نوعی با آنان همکاری می‌کرد. در سال ۱۹۸۳ که حدود یک سال از تأسیس حزب الله گذشته بود، بنده شهید سید عباس موسوی را برای بازدید از جنوب لبنان دعوت کردم. آن سال، جنوب لبنان همچنان در اشغال اسرائیلی‌ها قرار داشت. در این سفر جلساتی با شیخ راغب حرب و برخی روحانیون جنوب تشکیل شد، و برای هماهنگی و تشدید مبارزات ضد صهیونیستی تصمیماتی اتخاذ گردید. به هر حال می‌توان گفت که شهید شیخ راغب حرب علاوه بر مبارزات ضد صهیونیستی در جنوب لبنان، در تجمع علمای مسلمین لبنان و هیئت علمای جبل عامل حضور داشت. این هیئت پس از بازداشت شیخ راغب حرب به وجود آمد و تا به حال به مبارزات خود ادامه می‌دهد. با برادران عضو جنبش‌های اسلامی همکاری می‌کرد. با مسئولان و بنیانگذاران حزب الله ارتباط داشت. اما در جنوب لبنان در آن مرحله هیچ کس جرأت نداشت هویت حزب اللهی خود را آشکار کند. هواداران حزب الله با عناوین دیگری فعالیت می‌کردند. به طور مثال بنیاد شهیدی که شیخ راغب حرب به وجود آورد، با عناوین گوناگون به خانواده شهدا و مستمندان کمک می‌کرد. فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و همکاری ایشان با علما و روحانیون جنوب مخفیانه صورت می‌گرفت.

شیوه همکاری شیخ راغب حرب با مجاهدان و رزمندگان و پشتیبانی از آنان چگونه بود؟

شکی نیست که شیخ راغب حرب در زمینه پشتیبانی از مجاهدان و رزمندگان مقاومت ضد صهیونیستی نقش

شیخ شهید چراغ راهنمای مجاهدان بود. پیش از بازداشت، پدر، پیشوا و پشتیبان مجاهدان بود، اما پس از آزادی به نماد مجاهدان تبدیل شد. پس از شهادت نیز برای جوانان مجاهد به الگو و سرمشق تبدیل شد. شهادت او به جوانان انگیزه داد تا این راه پر فراز و نشیب را ادامه دهند.

کرده‌اند؟

اخباری که اخیراً در مطبوعات لبنان منتشر شد دقیق نیست. برخی جریانات با انتشار این گونه اخبار ضد و نقیض می‌خواهند وانمود کنند که به سر نخ دست یافته‌اند. شخص مظنونی که در این ارتباط بازداشت شده شاید قصد دارد خود را از اتهامات دیگری تبرئه کند. اما تا کنون هویت واقعی عامل ترور شهید شیخ راغب حرب روشن نشده است. هنگامی که در اسارت رژیم صهیونیستی به سر می‌بردم، به بازجوها گفتم که شما شیخ راغب حرب را به قتل رسانده‌اید. به عوامل مزدورتان دستور داده‌اید ایشان را شهید کنید.

جنابعالی یکی از بنیانگذاران تجمع علمای مسلمان

چراغ راهنمای مجاهدان بود. پیش از بازداشت، پدر، پیشوا و پشتیبان مجاهدان بود، اما پس از آزادی به نماد مجاهدان تبدیل شد. پس از شهادت نیز برای جوانان مجاهد به الگو و سرمشق تبدیل شد. خون شهید شیخ راغب حرب به جوانان مجاهد انگیزه داد تا این راه پر فراز و نشیب را به خوبی دنبال کنند.

هنگام اشغال جنوب لبنان آیا برای هماهنگی با مسئولان حزب الله به منطقه بقاع و بعلبک هم رفت و آمد داشت؟

در دوران اشغال جنوب حدود دو سال طول کشید. در این مدت چند بار مخفیانه به بیروت - بایتخت - رفت و در آنجا با مسئولان حزب الله تماس می‌گرفت در پی این تماس‌ها به صورت برنامه ریزی شده و به طور منظم مبارزه و مقاومت را آغاز کرد. به هسته‌های اولیه مقاومت خدمات شایانی ارائه کرد.

شما به عنوان هم‌رزم شهید شیخ راغب حرب خبر شهادت ایشان را چگونه دریافت کردید؟ و چه واکنشی نشان دادید؟

روابط من با شهید شیخ راغب حرب بسیار برادرانه و صمیمانه بود، من ایشان را استاد و الگوی خود می‌دانستم، شهادت ایشان نه فقط بنده، بلکه همه مردم جنوب لبنان را شوکه کرد. شیخ راغب زمانی به شهادت رسید که جنوب لبنان همچنان در اشغال نظامیان صهیونیست قرار داشت. هر چند که شرایط آن مرحله و فشارهای دشمن اجازه نمی‌داد عکس العمل‌های گسترده‌ای نشان دهیم ولی بعد از





سحرگاه روز ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۸۹ نظامیان رژیم صهیونیستی با هلی کوپتر نزدیک خانه‌ام در جیشیت به زمین نشستند و در جریان یک اقسام آدم ربایی بنده را به فلسطین اشغالی بردند. در آن سال شرایط جنوب لبنان بحرانی بود. میان حزب الله و جنبش امل درگیری‌های خونین وجود داشت. آسمان لبنان جولانگاه هواپیماهای نظامی دشمن صهیونیستی شده بود، پیشبینی می‌کردم روزی خانه‌ام را بمباران کنند، ولی گمان نمی‌کردم مرا به اسارت بگیرند. برآیم امکان نداشت به خوبی جانب احتیاط را رعایت کنم و یا تدابیر امنیتی اتخاذ کنم. زیرا که انسان هر اندازه رعایت را رعایت کند، بازهم نمی‌تواند در برابر دشمنی که در همه جا حضور دارد کاملاً رعایت احتیاط را به عمل آورد. ولی به رغم همه نارسایی‌ها و دشواری‌ها در جنوب ماندیم. در لحظه‌ای که نظامیان اسرائیلی را در اطراف خوابگاه مشاهده کردید چه واکنشی نشان دادید؟

مراحل بازجویی شکنجه‌ها را متحمل شدم. پس از گذراندن مراحل بازجویی شکنجه و آزار و اذیت تا حدودی کاهش یافت، و منتظر زمان آزادی و عملیات مبادله اسیران ماندم. زمان انتظار حدود ۱۴ سال طول کشید.

چند سال با مصطفی دیرانی در یک سلول به سر بردید؟

حدود هشت سال با ایشان در یک سلول به سر بردم. ولی به مدت هفت سال در زندان‌های متفرقه به سر بردم، آقای دیرانی دو سال را در زندان انفرادی به سر برد.

در دوران اسارت خبر پیروزی‌های مقاومت و آزادی جنوب لبنان به سمع تان می‌رسید؟

این اخبار به طور مخفیانه و توسط سایر زندانیان به سمع مان می‌رسید. اما پس از عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ برایمان تلویزیون آوردند و به طور مستقیم از اخبار و رویدادهای لبنان آگاه می‌شدیم.

از عملیات مقاومت در جنوب لبنان با خبر می‌شدید؟
از همه عملیات با خبر نمی‌شدیم، گاهی اخبار به طور مخفیانه به دستمان می‌رسید.

هنگامی که خبر آزادسازی جنوب لبنان را شنیدید چه احساسی به شما دست داد؟

خبر آزادسازی جنوب را لحظه به لحظه دنبال می‌کردم. مشاهده صحنه فرار نظامیان اسرائیل از جنوب لبنان اشک شوق از چشمان من جاری ساخت. از شدت خوشحالی گریستم. افسوس می‌خوردم چرا در آن لحظه‌های تاریخی در جنوب لبنان حضور ندارم.

در آستانه عملیات مبادله اسیران و آزادی جنابعالی چه احساسی داشتید؟

درباره عملیات مبادله اسیران هر چند مدت خبرهایی می‌شنیدیم. شنیدن آخرین خبر عملیات مبادله اسیران برایم عادی شده بود. البته هنگامی که عملیات مبادله اسیران شتاب بیشتری به خود گرفت و عملیات مبادله اسیران جدی شد احساس خوشحالی کردم. به طور مثال روز یک‌شنبه آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله درباره قریب الوقوع بودن عملیات مبادله اسیران سخنرانی کرد. روز سه شنبه ما را از زندان به محل تجمع اسیران آزاد شده انتقال دادند. آنگاه احساس کردم که گام‌های جدی برای آزادی‌مان برداشته شده است. اما هرگز باور نمی‌کردیم، مگر زمانی که وارد خاک وطن شدیم. زیرا پیشبینی می‌کردیم امکان دارد هر لحظه عملیات مبادله اسیران به هم بخورد. ■

مشاهده کردید چه واکنشی نشان دادید؟
یک لحظه غافلگیر کننده بود. شاید یک دقیقه تا دو دقیقه طول نکشید که وارد خانه شدند و مرا سوار هلی کوپتر کردند. به محض این که وارد اطاق خواب شدند مرا بیهوش کردند. زمانی برای فکر کردن وجود نداشت.
چند سال در اسارت اسرائیل به سر بردید؟
به طور دقیق ۱۴ سال و شش ماه و یک روز در اسارت رژیم صهیونیستی به سر بردم.
آیا هدف از اسارت شما برای کسب اطلاع از سرنوشت رون آراد خلبان ناپدید شده اسرائیلی بود؟

زمانی شیخ راضی‌حرب به شهادت رسید که جنوب لبنان هم چنان در اشغال صهیونیست‌ها قرار داشت. هر چند که شرایط آن مرحله و فشارهای دشمن اجازه نمی‌داد عکس العمل‌های گسترده‌ای نشان دهیم ولی بعد از این شهادت موفق شدیم پیامدهای این شوک را مهار کنیم.

خیر، ارتباط مستقیمی به قضیه رون آراد نداشتیم. اسرائیلی‌ها برای کسب اطلاع از سرنوشت دو نظامی‌شان که در جنوب لبنان به اسارت حزب الله در آمده بودند، مرا ربودند. این دو نظامی در سال ۱۹۸۶ اسیر شده بودند و در سال ۱۹۹۶ با اسیران لبنانی مبادله شدند. در سال ۱۹۸۶ بنده مسئولیت حزب الله در جنوب لبنان را بر عهده داشتیم. نظر به این که مسئولیت حزب الله در جنوب را بر عهده داشتیم. اسرائیلی‌ها گمان می‌کردند که از سرنوشت دو نظامی اسرائیلی آگاهی دارم.

رفتار اسرائیلی‌ها با شما چگونه بود؟
مراحل بازجویی در سال‌های اول اسارت غیر قابل توصیف است. انواع شکنجه‌ها را متحمل شدم. پس از گذراندن

لبنان هستید. بفرمایید هدف از تاسیس این تشکیلات چیست؟

همانگونه که اطلاع دارید این تجمع در اولین روز حملات اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ تاسیس شد. هدف اصلی این تجمع وحدت بخشیدن به جوامع شیعه و اهل تسنن لبنان می‌باشد. من و چند تن از روحانیون شیعه و سنی لبنان با احساس مسئولیت دینی و ملی در بیروت گردهم آمدیم و به منظور پیشبرد مبارزات جوامع مسلمان لبنان در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به توافق رسیدیم. در اولین نشست هیئت مؤسسان این تجمع، بنده و یک روحانی ایرانی و مرحوم شیخ عصام شمس، شیخ سلیم اللبابیدی، شیخ محمد الحمصی، شیخ صلاح ارقه‌دان، شیخ ماهر حمود، شیخ عبد الناصر الجبری شرکت داشتند. از علمای شیعه مرحوم شیخ راضی‌حرب، شیخ زهر کنج و شیخ محسن عطوی و شیخ محمد غبریس و شیخ علی خازم شرکت داشتند.

در حال حاضر این تجمع چه نقشی دارد و دستاوردهای آن چیست؟

این تجمع از نظر علمی به منظور تقریب دیدگاه‌های علمای شیعه و اهل تسنن دستاوردی نداشته است. اما در مسائل سیاسی تا حدودی توانسته دیدگاه‌های روحانیون و علمای شیعه و سنی را به یکدیگر نزدیک کند. این تجمع به نوعی توانست به مسائل اختلاف برانگیز پایان دهد. برخی روحانیون اهل سنت عضو این تجمع نقش بزرگی در تقریب دیدگاه‌ها و وحدت جامعه مسلمان لبنان ایفا کردند. به طور مثال شیخ عبد الناصر الجبری و دیگران به جامعه مسلمانان لبنان خدمت کردند. مشکل اصلی این است که علمای اهل تسنن عضو این تجمع، پایگاه قوی در جامعه لبنان ندارند. جامعه اهل تسنن بیشتر از روحانیون سنی و علمای وابسته به «دار الفتوا» پیروی می‌کنند. بخش دیگری از جامعه اهل تسنن لبنان طرفدار «جماعت اسلامی» شاخه اخوان المسلمین هستند. از سوی دیگر شیخ ماهر حمود و شیخ بلال شعبان فرزند مرحوم شیخ سعید شعبان بنیانگذار جنبش توحید اسلامی، پایگاه اجتماعی خوبی در جامعه اهل تسنن دارند. تأثیر این روحانیون بسیار اندک است، اما روابطشان با حزب الله خوب است. حزب الله از طیف‌های یاد شده حمایت می‌کند.

زمانی که این تجمع به وجود آمد به اعضای آن پیشنهاد کردم که دو هدف را دنبال کنند، یک هدف علمی و یک هدف سیاسی. برای تحقق این اهداف جلساتی تشکیل شود تا به مسائل اختلاف برانگیز در جامعه راه حل ارائه گردد. راهکار این باشد که ابتدا علما و روحانیون شیعه و سنی با دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شوند، سپس نتایج این دیدگاه‌ها را به جامعه انتقال دهند، تا میان مردم ملت و اتحاد به وجود آید.

در سال گذشته برخی محافل خارجی و داخلی به مسائل تفرقه انگیز دامن زدند و نزدیک بود میان شیعیان و برادران اهل تسنن درگیری روی دهد. بفرمایید تجمع علمای مسلمین برای مهار این فتنه‌ها چه نقشی داشت؟
همانگونه که اشاره کردم جامعه اهل تسنن لبنان از روحانیون سنی پیروی می‌کنند. پایگاه اجتماعی روحانیون اهل تسنن عضو تجمع علمای مسلمین ضعیف است و گوش شنوایی در جامعه‌شان ندارند. البته تجمع علمای مسلمین در برابر توطئه‌ها بی‌تفاوت نبوده و با برگزاری گردهمایی و سمینارهای گوناگون می‌کوشد اوضاع را آرام کند.

اجازه دهید کمی درباره اسارت تان صحبت کنیم. جنابعالی در چه تاریخی روبرو شدید و آیا پیشبینی می‌کردید روزی صهیونیست‌ها به روستای جیشیت هواربرد کنند و شما را به فلسطین اشغالی ببرند؟